





دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله

برای اخذ درجه دکتری
رشته فقه و حقوق خصوصی

عنوان:

بررسی اعاده دادرسی خاص بر اساس اختیارات قانونی رییس قوه
قضاییه و سیر تحول قانونی آن در نظام قضایی ایران

استاد راهنما:

دکتر سیدابوالقاسم نقیبی

استاد مشاور:

دکتر سیدمحمدصادق موسوی

دانشجو:

جهانبخش حسن زاده

مهر ۱۳۹۷

تعهدنامه اصالت رساله یا پایان نامه

این جانب جهانبخش حسن زاده دانش آموخته مقطع دکتری تخصصی در رشته فقه و حقوق خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۶ از پایان نامه / رساله خود با عنوان :
بررسی اعاده دادرسی خاص بر اساس اختیارات قانونی رییس قوه قضاییه و سیر تحول قانونی آن در نظام قضایی ایران

با کسب نمره ۱۸/۵ و درجه خیلی خوب دفاع کرده‌ام، متعهد می‌شوم:

۱. این پایان نامه / رساله حاصل از تحقیق و پژوهش انجام شده توسط این جانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده کرده‌ام، مطابق ضوابط و شیوه‌های معمول، نام منبع و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط درج کرده‌ام. در صورتی که اثبات شود که این پایان نامه / رساله به شخص دیگری تعلق داشته است یا حاصل کار شخص دیگری است، دانشگاه می‌تواند مدرک تحصیلی این جانب را ابطال کند. در آن صورت این جانب اقدام دانشگاه را می‌پذیرم و حق هر گونه اعتراضی را از خود سلب می‌کنم.
۲. این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی ای (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه پس از فراغت از تحصیل، قصد هر گونه بهره برداری اعم از چاپ مقاله، چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از مفاد و نتایج این پایان نامه / رساله را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه مجوز لازم را اخذ و در تمام انتشارات خود نام دانشگاه و استاد راهنمایم را درج کنم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و دانشگاه خوارزمی مجاز است با این جانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار کند.

نام و نام خانوادگی : جهانبخش حسن‌زاده

امضاء

تقدیم به

روح پاک و پر فتوح پدر عزیزم

که در طول زندگی مشقتها و رنج‌های زیادی را تحمل نموده و تمام تلاش و علاقه‌اش این بوده است که بنده حقیر به تحصیلات عالی و شغل و مقام قضاوت برسم.

مادر عزیز و گرامی‌ام

که از دوران کودکی تا به حال زحمات فراوانی برای بنده کشیده و سختی‌های زیادی را متحمل شده و همواره دعای خیرش بدرقه راه و زندگی‌ام می‌باشد.

همسر عزیز و مهربانم

که راه تحصیل را برای من فراهم نموده و در همه حال دلسوزانه یار و همراه و مشوق بنده بوده است.

و تقدیم به

دو گل باغ زندگی‌ام

فاطمه حسنی و فاطمه ضحی

که موجب حسن و نیکویی و روشنایی زندگی من هستند.

تقدیر و تشکر

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»



ابتدا بر خود فرض و لازم می‌دانم تا مراتب امتنان و تشکر خویش را از اساتید محترم دانشکده حقوق دانشگاه خوارزمی اعلام داشته و خصوصاً از زحمات بی‌دریغ استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر سیدابوالقاسم نقیبی عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید مطهری و استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر سیدمحمدصادق موسوی عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید مطهری که در تمام مراحل تحقیق و نگارش پایان‌نامه، با راهنمایی‌ها و مشاوره‌های حکیمانه و دلسوزانه خود، اینجانب را هدایت و یاری نموده‌اند کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از زحمات مدیر گروه و استاد محترم داور جناب آقای دکتر بهرام تقی‌پور و همچنین دیگر اساتید محترم داور جناب آقای دکتر علیرضا صالحی‌فر و جناب آقای دکتر محمد روشن، تقدیر و تشکر نموده و در نهایت از بذل توجه و امعان نظر ایشان کمال قدردانی و سپاس را دارم.

همچنین از زحمات فراوان و مشاوره‌های ارزشمند اساتید محترم جناب آقای دکتر صابر ریاست محترم شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور و جناب آقای دکتر سیدعباس حسینی سرپرست محترم دادرسی کارکنان دولت و سرکار خانم دکتر نوابی سپاسگزاری می‌نمایم.

علايم اختصاری

- ۱- ق. آ. د. ک ۷۸..... قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸
- ۲- ق. آ. د. ک ۹۲..... قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- ۳- ق. آ. د. م ۷۹..... قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- ۴- ق. ا. ۱..... قانون اساسی
- ۵- ق. ا. ا. م..... قانون اجرای احکام مدنی
- ۶- ق. ا. ق. ت. د. ع. و. ا..... قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱
- ۷- ق. ت. د. ع. و. ا..... قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳
- ۸- ق. م. ا. ۷۰..... قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- ۹- ق. م..... قانون مدنی

چکیده

تجدیدنظر خواهی از آرای دادگاه‌ها در نظام قضایی ایران موضوع واجد اهمیت بوده و اختلاف نظر در قطعی بودن رأی یا اصل جواز تجدیدنظر خواهی، علاوه بر تأثیرگذاری بر اصحاب دعوی، در تشکیلات و سیستم قضایی کشور نیز تأثیر زیادی گذاشته است. قانونگذار علاوه بر آن که تجدیدنظر از آراء را مورد پذیرش قرار داده، بدون قائل شدن به هر گونه مهلتی، به رییس قوه قضاییه اختیار داده تا هر گاه آراء صادره از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، نقض آن را از طریق شعبه خاص دیوان عالی کشور درخواست نماید. اعاده دادرسی به معنای از سر گرفتن محاکمه و دوباره رسیدگی کردن است. اعمال اختیارات رییس قوه قضاییه در تجویز اعاده دادرسی را «اعاده دادرسی خاص» می‌نامند. منظور از خلاف شرع بین در ماده ۴۷۷ ق. آ. د. ک ۹۲، مغایرت رأی اعم از حکم یا قرار با مسلمات فقهی و قانون می‌باشد. با وضع ماده ۴۷۷ ق. آ. د. ک ۹۲ همه آراء قطعی در هر زمانی در معرض خدشه قرار گرفته است. چون قانونگذار معیار صحیحی از خلاف شرع بین به دست نداده و مصادیق آن را به صورت تمثیلی بیان نکرده است، سؤالات عدیده‌ای در این خصوص مطرح شده است. نتیجه حاصله در این تحقیق نشان می‌دهد که برابر رویه قضایی موجود، مواردی از قبیل: نقص تحقیقات، نقض مقررات شکلی، اشتباه قضایی و عدول قاضی مأذون از اذن قانونی از مصادیق خلاف شرع بین می‌باشند و واژه خلاف شرع بین به همه آرای که مبتنی بر اشتباه بوده و منجر به تضییع حق یکی از اصحاب دعوی گردد، قابل تسری بوده و به عنوان جهت اعاده دادرسی خاص مورد پذیرش می‌باشد. در این پایان نامه، با تحقیقات میدانی در شعب خاص دیوان عالی کشور و اخذ نمونه آرای حقوقی و کیفری و تجزیه و تحلیل و بررسی مباحث، نتایج مهمی را به دست آورده و به ذکر چند مورد ایرادات و ارایه پیشنهادها اشاره شده است، تا گام کوچکی در جهت تصویب قانونی جامع و کامل و عاری از عیب و نقص و احقاق حق و اجرای عدالت باشد.

کلید واژه‌ها: اعاده دادرسی عام، اعاده دادرسی خاص، خلاف شرع بین، خلاف بین قانون، اشتباه

مسلم فقهی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	الف) بیان مسأله
۳	ب) اهمیت و ضرورت تحقیق
۴	ج) سؤالات تحقیق
۴	سؤالات اصلی
۴	سؤال فرعی
۴	د) فرضیات تحقیق
۴	هـ) روش تحقیق
۵	و) ساماندهی تحقیق

فصل اول: کلیات

۷	مبحث اول: معناشناسی اعاده دادرسی
۷	گفتار اول: مفهوم اعاده دادرسی عام
۷	بند اول: معنای لغوی اعاده دادرسی عام
۷	بند دوم: معنای اصطلاحی اعاده دادرسی عام
۹	گفتار دوم: مفهوم اعاده دادرسی خاص
۱۰	مبحث دوم: مبانی حقوقی اعاده دادرسی
۱۰	گفتار اول: اجرای عدالت و انصاف
۱۱	گفتار دوم: جلوگیری از اشتباه
۱۳	بند اول: اشتباه موضوعی
۱۴	بند دوم: اشتباه حکمی
۱۷	گفتار سوم: تأمین حقوق متهم
۱۸	گفتار چهارم: مشروح مذاکرات مجلس

مبحث سوم: مبنای فقهی اعاده دادرسی..... ۱۹

مبحث چهارم: پیشینه و تحولات قانونی اعاده دادرسی خاص ۲۱

فصل دوم: اقسام اعاده دادرسی و جایگاه اعاده دادرسی خاص

مبحث اول: اقسام اعاده دادرسی ۲۷

گفتار اول: اعاده دادرسی عام..... ۲۸

بند اول: اعاده دادرسی اصلی..... ۲۸

بند دوم: اعاده دادرسی طاری..... ۲۸

گفتار دوم: اعاده دادرسی خاص ۲۹

مبحث دوم: جایگاه اعاده دادرسی خاص..... ۲۹

گفتار اول: ضرورت وجود یا عدم وجود اعاده دادرسی خاص ۳۰

بند اول: دلایل مخالفین تأسیس اعاده دادرسی خاص ۰۳

الف) دوباره کاری ۳۰

ب) کم توجهی و بی دقتی..... ۳۰

ج) اطلاع دادرسی..... ۳۱

د) تزلزل آرای صادره..... ۳۱

بند دوم: دلایل موافقین تأسیس اعاده دادرسی خاص..... ۳۲

الف) رعایت احتیاط ۳۲

ب) افزایش دقت در دادرسی..... ۳۲

ج) افزایش اعتماد و اطمینان مردم ۳۳

د) جبران اشتباه ۳۴

گفتار دوم: بررسی اعاده دادرسی خاص بر اساس قواعد حاکم بر دادرسی..... ۳۵

بند اول: اصل قطعیت آرای محاکم ۳۵

الف-تعریف قطعیت آراء..... ۳۵

ب- بررسی رویکرد فقه اسلامی در باب قطعیت آراء ۳۷

ج- دیدگاه کلی اسلام نسبت به موضوع ۳۷

- د- مستندات فقهی قطعیت و اعتبار احکام ۴۰
- ه- مستندات فقهی نقض احکام و تزلزل در اعتبار احکام ۴۱
- (۱) مستندات قرآنی نقض احکام ۴۱
- (۲) روایات و نظرات فقهای شیعه در باب نقض احکام ۴۲
- و- اثر اعاده دادرسی بر اصل قطعیت آرای محاکم ۴۴
- بند دوم: اعتبار امر مختومه ۴۶
- الف- تعریف قاعده ۴۶
- ب- مبنای قاعده ۴۷
- (۱) نظریه عقد و شبه عقد قضایی ۴۷
- (۲) نظریه حقیقت اعتباری و صوری ۴۷
- (۳) اراده حاکمیت دولت ۴۷
- (۴) جلوگیری از تجدید دعاوی ۴۷
- (۵) احتراز از صدور احکام متعارض ۴۸
- (۶) مبنای قاعده در اسلام ۴۸
- ج- شرایط اعتبار امر مختومه ۴۹
- (۱) وحدت اصحاب دعوا ۴۹
- (۲) وحدت موضوع (واقعه مجرمانه) ۴۹
- (۳) وحدت سبب ۵۰
- د- محدوده تعارض ۵۰
- بند سوم: اصل شکلی بودن رسیدگی در دیوان عالی کشور و تعارض آن با اعاده دادرسی خاص ۵۲
- بند چهارم: اصل تقدیم دادخواست در امور حقوقی ۵۳

فصل سوم: شرایط و آثار اعاده دادرسی خاص

- مبحث اول: شرایط اعاده دادرسی خاص ۵۵
- گفتار اول: لزوم قطعیت رأی ۵۵
- بند اول: اعاده دادرسی نسبت به حکم قطعی ۵۵

- بند دوم: اعاده دادرسی نسبت به قرار قطعی ۵۶
- گفتار دوم: درخواست اعاده دادرسی خاص ۵۸
- بند اول: درخواست محکوم علیه (متقاضی) ۵۹
- بند دوم: درخواست رییس قوه قضاییه ۶۱
- بند سوم: درخواست سایر اشخاص ۶۲
- گفتار سوم: هزینه اعاده دادرسی خاص ۶۲
- مبحث دوم: آثار اعاده دادرسی خاص ۶۳
- گفتار اول: تشخیص خلاف شرع بین رأی قطعی صادره توسط رییس قوه قضاییه به عنوان جهت اعاده دادرسی ۶۳
- گفتار دوم: اقدام رییس قوه قضاییه پس از تشخیص خلاف شرع بین رأی مبنی بر تجویز اعاده دادرسی ۶۶
- گفتار سوم: ضرورت توقف اجرای حکم ۶۹
- گفتار چهارم: موانع تشخیص رییس قوه قضاییه ۷۵
- بند اول: محدودیت قانونی در آرای که امکان شکایت به طور عادی وجود دارد. ۷۵
- بند دوم: محدودیت قانونی در اموری که امکان اعاده دادرسی عام وجود دارد ۷۸
- بند سوم: ممنوعیت تشخیص در امور موضوعی ۷۹

فصل چهارم: مصادیق اعاده دادرسی خاص و فرآیند دادرسی در دیوان عالی کشور

پس از تجویز اعاده دادرسی خاص

- مبحث اول: مصادیق اعاده دادرسی خاص ۸۱
- گفتار اول: خلاف شرع بین بودن رای دادگاه ۸۲
- بند اول: خلاف شرع بین در معنای خاص ۸۸
- بند دوم: خلاف شرع بین در معنای عام ۸۹
- بند سوم: تفاوت خلاف بین شرع با خلاف شرع بین ۹۱
- گفتار دوم: خلاف شرع بین بودن موضوع ماده ۴۷۷ ق. آ. د. ک ۹۲ ۹۴
- بند اول: اشتباه در صدور رای ۹۶
- الف) اشتباه ناشی از تقصیر قاضی ۹۷

- ب) اشتباه ناشی از سهو قاضی ۹۸
- ج) اشتباه قاضی در موضوع دعوی ۹۸
- د) اشتباه قاضی در تطبیق حکم بر مورد خاص ۹۹
- بند دوم: نقص تحقیقات و اعاده دادرسی خاص ۱۰۰
- بند سوم: نقض مقررات شکلی و اعاده دادرسی خاص ۱۰۱
- بند چهارم: عدول از اذن قانونی برای قاضی مأذون ۱۰۱
- مبحث دوم: فرآیند دادرسی در دیوان عالی کشور پس از تجویز اعاده دادرسی خاص ۱۰۳
- گفتار اول: تکلیف دیوان عالی کشور به تبعیت یا عدم تبعیت از تشخیص رییس قوه قضائیه ۱۰۳
- بند اول: در امر حقوقی ۱۰۷
- الف: نمونه رأی اول ۱۰۷
- ب: نمونه رأی دوم ۱۱۵
- بند دوم: در امر کیفری ۱۲۱
- الف: نمونه رأی اول ۱۲۱
- ب: نمونه رأی دوم ۱۲۳
- گفتار دوم: تکلیف دیوان عالی کشور نسبت به احکام صادره ۱۲۶
- بند اول: در امر حقوقی ۱۲۷
- الف: نمونه رأی اول ۱۲۷
- ب: نمونه رأی دوم ۱۳۳
- بند دوم: در امر کیفری ۱۴۰
- الف: نمونه رأی اول ۱۴۰
- ب: نمونه رأی دوم ۱۴۲
- گفتار سوم: تکلیف دیوان عالی کشور نسبت به قرارهای صادره ۱۴۴
- بند اول: در امر حقوقی ۱۴۵
- الف: نمونه رأی اول ۱۴۵
- ب: نمونه رأی دوم ۱۴۹

بند دوم: در امر کیفری	۱۵۴
الف: نمونه رأی اول	۱۵۴
ب: نمونه رأی دوم	۱۵۷
گفتار چهارم: تکلیف دیوان عالی کشور در نقص تحقیقات	۱۶۳
بند اول: در امر حقوقی	۱۶۴
الف: نمونه رأی اول	۱۶۴
ب: نمونه رأی دوم	۱۷۰
بند دوم: در امر کیفری	۱۷۲
الف: نمونه رأی اول	۱۷۲
ب: نمونه رأی دوم	۱۷۴
گفتار پنجم: - نقد و بررسی آرای صادره از شعب خاص دیوان عالی کشور	۱۷۷

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه گیری	۱۸۰
ب) پیشنهادها	۱۸۶
فهرست منابع و مآخذ	۱۸۹
۱) فارسی	۱۸۹
الف) کتب	۱۸۹
ب) مقالات	۱۹۱
ج) رساله	۱۹۲
د) تقریرات	۱۹۳
۲) عربی	۱۹۳
۳) لاتین	۱۹۳
۴) اینترنتی	۱۹۴

مقدمه

الف) بیان مساله

سوابق تقنینی بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تلاش قانونگذار در تطبیق قوانین با شریعت تأثیر به‌سزایی در قوانین مصوب در این دوره گذاشته است. از جمله مواردی که دستخوش تحول اساسی شده و در تشکیلات قضایی نیز مؤثر واقع گردیده، مبحث مربوط به اعاده دادرسی در معنای خاص و تجدیدنظر از احکام دادگاه‌ها است. اولین قانون در این باره در سال ۱۳۶۱ و تحت عنوان قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری بوده است. در این قانون اصل بر قطعی بودن حکم دادگاه بدوی قرار داده شده و رأی صادره صرفاً در سه مورد قابل نقض و تجدید دادرسی فرض گردیده است. موضوع جالب اینکه در این قانون اصحاب دعوی حق اعتراض به رأی صادره را نداشته‌اند، بلکه صرفاً قاضی صادرکننده رأی یا قاضی دیگر، حق اعمال نظر پیرامون رأی صادره را داشت.

قوانین متعددی در این زمینه وضع گردید. قانون‌گذار در سال ۱۳۶۷ با تصویب قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی به آن، به محکوم علیه یا وکیل و یا نماینده قانونی وی حق تجدیدنظر خواهی از احکام دادگاه‌ها را اعطا نمود. با وضع این قانون، عملاً تجدیدنظر خواهی، از دادرسی مجددی که اکنون تحت عنوان اعاده دادرسی خاص مورد بحث واقع می‌شود از هم تفکیک گردید. به نحوی که در حال حاضر قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین قانون آیین دادرسی کیفری، آرای قابل تجدیدنظر را مشخص نموده و علاوه بر آن، برابر ماده ۴۷۷ ق. آ. د. ک. ۹۲، چنانچه به تشخیص رییس قوه قضاییه رأی مرجع قضایی برخلاف شرع بین باشد، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد از شعب خاص دیوان عالی کشور درخواست می‌گردد. به طور کلی اعاده دادرسی از طرق فوق العاده برای شکایت از احکام محسوب می‌شود. هرچند اعاده دادرسی عام موضوع ماده ۴۲۶ ق. آ. د. م ۷۹، صرفاً ناظر به حکم دادگاه است و در زمان حاکمیت ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب این بحث وجود داشت که آیا اعاده دادرسی خاص نسبت به قرارها نیز قابل تسری می‌باشد یا خیر؟ که البته حقوق‌دانان نظر به عدم پذیرش اعاده دادرسی خاص نسبت به قرارهای صادره از دادگاه

داشته‌اند، ولی در حال حاضر اعاده دادرسی خاص برابرماده ۴۷۷ ق. آ. د. ک ۹۲، شامل کلیه احکام و قرارها می‌شود. اعاده دادرسی از این جهت طریقه فوق‌العاده برای شکایت از احکام محسوب می‌گردد که تنها نسبت به رأی قطعی دادگاه و از طریق جهات استثنایی و بعد از تجویز یا قبول اعاده دادرسی قابلیت اعمال دارد. علی‌القاعده اعاده دادرسی می‌بایست توسط شعبه صادرکننده رأی قطعی صورت پذیرد، اما مقنن رویکرد متفاوتی در این خصوص دارد و در امور کیفری این قاعده را قابل اجراء نمی‌داند. با این حال، هر چند دادگاه صالح در رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی عام مرجع صادرکننده رأی قطعی است، ولی قانونگذار برابر ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری، شعبه خاص دیوان عالی کشور را به عنوان مقام صالح جهت رسیدگی، پس از تجویز اعاده دادرسی تشخیص داده است.

در این تحقیق که عنوان آن «بررسی اعاده دادرسی خاص بر اساس اختیارات قانونی رییس قوه قضاییه و سیر تحول قانونی آن در نظام قضایی ایران» است، ابتدا به بحث تئوری در خصوص مبانی فقهی و حقوقی اعاده دادرسی خاص و ملاک‌های خلاف شرع بین و اصل ضرورت وجود یا عدم وجود چنین تأسیسی و تعارض یا عدم تعارض آن با اصل قطعیت و لازم‌الاجرا بودن احکام پرداخته، سپس با این فرض که مقنن به موجب قوانین متعدد و در حال حاضر بر اساس ماده ۴۷۷ ق. آ. د. ک ۹۲، این موضوع را از اختیارات رییس قوه قضاییه دانسته و رسیدگی مجدد را پس از صدور رأی قطعی و تجویز آن توسط رییس قوه قضاییه پذیرفته است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. بررسی تحول قانونی این تأسیس قبل از انقلاب و روند تغییرات به وجود آمده در قوانین متعدد از جمله قانون نحوه اختیارات رییس قوه قضاییه و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری در گذشته و همچنین در حال حاضر امری گریزناپذیر است. در این تحقیق به توضیح در خصوص مبنای تشخیص خلاف شرع بودن رأی و تفاوت آن با خلاف قانون بودن رأی صادره و اینکه آیا این دو با یکدیگر تفاوت دارند یا خیر و آیا صدور رأی غیر قانونی از مصادیق خلاف شرع بین شمرده می‌شود یا خیر؟ آیا خلاف بین شرع با خلاف شرع بین از دیدگاه قانونگذار تفاوت دارد یا خیر؟ و موارد دیگر پرداخته می‌شود. همچنین ضمن بیان مبنای قانونی بحث، موضوع از لحاظ فقهی نیز مورد تجزیه و تحلیل

قرار خواهد گرفت. علاوه بر بحث تئوری، بررسی رویه عملی دادگاه‌ها و در حال حاضر شعبه خاص دیوان عالی کشور، پس از تجویز اعاده دادرسی مورد تأکید این تحقیق خواهد بود. سعی می‌شود به صورت میدانی برخی از آرای محاکم و دیوان عالی کشور در این زمینه مورد ارزیابی و به طور کلی رویه قضایی کشور در تشخیص خلاف شرع بودن آرای محاکم، مورد بررسی قرار گیرد.

در مسیر این رساله، از آثار نویسندگان و صاحب‌نظران همچون استاد گرانقدر جناب آقای دکتر فریدون نهرینی، با رعایت حق قانونی مؤلف بسیار استفاده گردیده است. ضمن آن که در این زمینه و در راستای تبیین ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک ۹۲ که در واقع، مبنای اعاده دادرسی خاص و منشأ اختیار رییس قوه قضاییه در اعتراض به آرا می‌باشد، آثاری که به طور خاص مربوط به این طریق رسیدگی باشد، به ندرت یافت شده و تلاش نگارنده را برای جمع‌آوری این پژوهش دوچندان نموده است.

(ب) اهمیت و ضرورت تحقیق

همان طور که به شرح فوق بدان اشاره گردید، برابر مقررات قانونی از جمله ماده ۲ ق.ا.ا.م، آرای صادره از محاکم پس از قطعیت لازم الاجرا بوده و هیچ مقامی حق جلوگیری از اجرای رأی قطعی را ندارد. اهمیت این موضوع پایان نامه در همین جا آشکار می‌شود. تأسیس تجویز اعاده دادرسی خاص یکی از مصادیقی است که اصل قطعیت و لازم الاجرا بودن آرای محاکم را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تجویز اعاده دادرسی و به تبع آن پذیرش نظر رییس قوه قضاییه توسط شعبه مرجوع‌الیه، نتیجه دادرسی را تغییر داده و رأی قطعی سابق الصدور را ملغی‌الاثرب می‌نماید، که این موضوع با توجه به عدم وجود هرگونه حدنصاب یا مشخص بودن مورد یا مصداق خاص مانند آنچه که در ماده ۴۲۶ ق.آ.د. م ۷۹ آمده است، اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند. زیرا باید به گونه‌ای عمل شود که از هرگونه اعمال سلیقه شخصی اجتناب گردد. در این پژوهش سعی بر آن است که نظر اصلی مقنن و فلسفه وجودی چنین تأسیسی مورد ارزیابی قرار گیرد. ضمن اینکه موضوع اعاده دادرسی خاص از جمله مباحثی است که در ظاهر تکراری به نظر می‌رسد، اما فاقد هرگونه سابقه تحقیق به عنوان یک رساله یا پایان نامه است، خاصه آنکه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در سال ۱۳۹۴ لازم الاجرا شده و در مواد ۴۷۷ به بعد این قانون به

موضوع حاضر اشاره گردیده است. مضافاً اینکه اعاده دادرسی عام که در ماده ۴۲۶ ق. آ. د. م. ۷۹ آمده با اعاده دادرسی خاص متفاوت است.

ج) سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی :

۱. مبانی فقهی و حقوقی اعاده دادرسی خاص کدامند؟

۲. ملاک‌های خلاف شرع بین کدامند؟

سؤال فرعی :

۳. آسیب‌های قضایی و اجرایی اعاده دادرسی خاص کدامند؟

د) فرضیات تحقیق

۱. مبانی فقهی اعاده دادرسی خاص ، ضرورت انطباق رأی قاضی با «بما أنزل الله» و عدالت قضایی است و

مبنای حقوقی اعاده دادرسی خاص ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد.

۲. ملاک خلاف شرع بین ، مخالفت رأی دادگاه با مسلمات فقه و نصوص قانونی است.

۳. اطلاع دادرسی، رسیدگی ماهوی در دیوان عالی کشور ، مشخص نبودن مصادیق اعاده دادرسی خاص و

نداشتن مهلت، از جمله آسیب‌ها و نارسایی‌های قضایی و اجرایی اعاده دادرسی خاص به شمار می‌آیند.

هـ) روش تحقیق

روش تحقیق این جانب اولاً : به صورت کتابخانه‌ای بوده که با حضور در کتابخانه با مطالعه کتب و

مقالات، اطلاعاتی گردآوری خواهد گردید. ثانیاً به صورت میدانی بوده که با مراجعه به مراجع قضایی

و محاکم دادگستری و شعب دیوانعالی کشور از دیدگاه‌ها و نظرات قضات محترم استفاده خواهد شد.

همچنین با مطالعه پرونده‌های حقوقی و کیفری محاکم دادگستری و شعب خاص دیوانعالی کشور

نمونه آرای در خصوص موضوع اعاده دادرسی خاص گردآوری می‌شود.

و) ساماندهی تحقیق

این تحقیق به پنج فصل تقسیم شده است. فصل اول تحت عنوان «کلیات» که در چهار مبحث تنظیم و شامل مبحث اول: معناشناسی اعاده دادرسی، مبحث دوم: مبانی حقوقی اعاده دادرسی، مبحث سوم: مبنای فقهی اعاده دادرسی و مبحث چهارم: پیشینه و تحولات قانونی اعاده دادرسی خاص می‌باشد.

فصل دوم نیز تحت عنوان «اقسام اعاده دادرسی و جایگاه اعاده دادرسی خاص» بوده که به دو مبحث تقسیم و شامل مبحث اول: اقسام اعاده دادرسی و مبحث دوم: جایگاه اعاده دادرسی خاص می‌باشد.

فصل سوم: تحت عنوان «شرایط و آثار اعاده دادرسی خاص» به دو مبحث شامل مبحث اول: شرایط اعاده دادرسی خاص و مبحث دوم: آثار اعاده دادرسی خاص تقسیم شده است.

همچنین فصل چهارم تحت عنوان «مصادیق اعاده دادرسی خاص و فرآیند دادرسی در دیوان عالی کشور پس از تجویز اعاده دادرسی خاص» بوده که به دو مبحث تقسیم و شامل مبحث اول: مصادیق اعاده دادرسی خاص و مبحث دوم: فرآیند دادرسی در دیوان عالی کشور پس از تجویز اعاده دادرسی خاص می‌باشد.

در نهایت فصل پنجم مربوط به نتیجه گیری و پیشنهادها می‌باشد، که با توجه به مطالب و مباحث ارائه شده، به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

فصل اول :

کلیات

بحث کلیات به چهار مبحث به شرح ذیل تقسیم می‌شود که به هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

مبحث اول: معنانشناسی اعاده دادرسی

معنای اعاده دادرسی را طی دو گفتار به شرح ذیل توضیح می‌دهیم.

گفتار اول: مفهوم اعاده دادرسی عام

در این گفتار طی دو بند به معنای لغوی و اصطلاحی اعاده دادرسی عام می‌پردازیم.

بند اول: معنای لغوی اعاده دادرسی عام

«اعاده دادرسی» در لغت از دو کلمه «اعاده» به معنای بازگرداندن و دوباره گفتن سخن^۱ و «دادرسی» به معنای به داد کسی رسیدن و به دادخواهی دادخواه رسیدگی کردن است و نهایتاً واژه اعاده دادرسی را از نظر لغوی می‌توان به صورت «از سر گرفتن محاکمه یا دوباره دادخواهی کردن یا دوباره به دادخواهی رسیدگی کردن»^۲ معنا نمود.

بند دوم: معنای اصطلاحی اعاده دادرسی عام

در مورد مفهوم اصطلاحی اعاده دادرسی بایستی بیان نمود که در ادوار مختلف قانونگذاری و تدوین قوانین و مقررات بسیار، در باب آیین دادرسی کیفری و اختصاص مواد از این قوانین به اعاده دادرسی، ما همچنان با خلاء ناشی از عدم تعریف اعاده دادرسی از سوی مقنن مواجه هستیم. از این رو در بررسی این نهاد حقوقی چاره‌ای جز توسل به تعاریف ارایه شده از سوی بزرگان و حقوق دانان نداریم.^۳ البته بایستی این نکته را نیز در نظر داشت که در جهت تبیین مفهوم اعاده دادرسی، تعریفی که از جامعیت و مانعیت کافی برخوردار بوده و بیانگر تمامیت این واژه باشد به دست نیامده است.

در واقع قانونگذار، با عبور از تفهیم نمودن معنا و مفهوم اعاده دادرسی، صرفاً به بیان شرایط و جهاتی که موجب دست یازیدن به آن می‌شود را بیان نموده است. همین امر باعث شده است که حقوق دانان تعاریف متفاوتی را در این زمینه ارائه نمایند. تعاریفی که اگرچه به نوبه خود خلأ حادث از نادیده گرفتن

۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰۰.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۵۹.

۳. شعبان زاده، مهدی، شرایط تحقق تشخیص رییس قوه در ق. آ. د. ک ۹۲، همایش ملی فقه و حقوق جزا، آبان ماه ۹۶، ص ۴۹.